

تدوین و تشریح مبانی نظری مرتبط با رابطه میان ساختار سرمایه، نسبت نقدشوندگی و بحران‌های مالی

رضا محمدی*

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران
Rezamohammadi62@yahoo.com (نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات)

چکیده

آغاز هزاره سوم میلادی مصادف با وقوع بحران مالی ادر بسیاری از شرکت‌های آمریکایی و اروپایی بود که دامنه آن به سایر کشورها نیز کشیده شد. می‌توان گفت که عواملی همچون؛ رفتار اخلاقی ضعیف در سطح شرکت، وجود مدیران چاپلوس و فاقد تخصص در اداره امور شرکت، وجود کنترل‌های داخلی^۲ ضعیف برای جلوگیری یا کشف مشکلات در سطح شرکت و نظارت‌های ضعیف خارجی مانند مقررات‌گذاران، بازار سرمایه، حساب‌رسان، چارچوب‌های حقوقی در بروز این بحران‌ها نقش زیادی داشت (زمان زاده، ۱۳۹۲). بحران مالی که طی سال‌های اخیر دامن‌گیر کشورهای جهان و بویژه کشورهای ثروتمند شده است، یکی از شوک‌های اقتصادی بزرگ به شمار می‌رود که پیامدهای آن سال‌ها طول می‌کشد، بر این اساس این سؤال مطرح می‌گردد که ماهیت بحران مالی فعلی در جهان چیست و این بحران از کدام نقطه آغاز شده است؟ بحران مالی جهانی در ابتدا از آمریکا و آن‌هم از بخش مسکن آغاز گردید و در دیگر شرکت، بانک‌ها و... سرایت کرد. بحران شناسی بخش مهمی از فرآیند مدیریت بحران و پژوهش‌های مربوط به آن را تشکیل می‌دهد. شناخت هرچه دقیق‌تر بحران، همچون هر حوزه مدیریتی دیگری؛ به کنترل و هدایت هرچه مؤثرتر آن کمک کرده و مدیران بحران می‌توانند با تفکیک تفصیلی مسئله پیش رو، آن را مدیریت‌پذیر گردانند (ژو و همکاران، ۲۰۱۳).

تعریف واژه‌ها و اصطلاحات

بحران مالی: موقعیتی که طی آن و در نتیجه یورش به بازار ارز، پول رایج کشور شدیداً با کاهش ارزش مواجه می‌شود و یا ذخایر بین‌المللی شدیداً کاهش می‌یابد و یا ترکیبی از این دو اتفاق رخ می‌دهد.

ساختار سرمایه: ترکیبی از بدهی و حقوق صاحبان سهام که از طریق آن‌ها، شرکت‌ها تأمین مالی دارایی‌های خود را انجام می‌دهند.

نسبت نقدشوندگی: مهمترین نسبت در ارزیابی توانایی شرکت برای تبدیل دارایی‌های کوتاه‌مدت به وجه نقد در جهت پوشش تعهدات مالی.